

طوسی حائری؛ مادر زنانی که شکل‌های دیگر زیستن را یاد گرفتند

۱۷ فروردین ۱۴۰۲ - ۶ آوریل ۲۰۲۳

روجا اسدی، بی‌بی‌سی



متن تصویر، FAMILY ALBUM

سالی که برای بسیاری با شعار «زن، زندگی، آزادی» آغاز شد، بهترین زمانی است که از طوسی حائری یاد شود؛ زنی مستقل، آزاد اندیش، جسور و پیش‌رو.

زنی که رویا منجم، مترجم و نوه خواهرش، او را در مراسم تدفینش این‌طور معرفی کرد: «مثل هیچکس نبود. مثل هیچ زنی که آدم معمولاً می‌شناسد. شاعر نبود که شعری از او بماند. نویسنده نبود که نقل و حکایت و داستانی به جا بگذارد. او خود شعر بود. خود داستان و حکایت بود. افسانه بود. بچه نداشت اما مادر همه زنانی است که در این سرزمین شکل‌های دیگر زیستن را یاد گرفتند. او راهگشای راه‌ها برای زنان بود... او عین گل بود، عین درخت، عین دریا، عین جنگل. بیخود نبود که شاملو درباره‌اش سرود:

من باهارم تو زمین

من زمینم تو درخت

من درختم تو باهار -

ناز انگشتای بارون تو باغم می‌کنه

میون جنگلا تاغم می‌کنه.

او همان نگاهی بود که همواره به همه کس و همه چیز هر گاه نگریست، عاشقانه نگریست. او عین عشق بود. عین زندگی.»

۱۷ فروردین ۱۴۰۲ سی سال از مرگ او می‌گذرد. او اولین زن گوینده رادیو در ایران بود، از اولین زنان راهیافته به دانشگاه تهران و اولین زن فارغ‌التحصیل ادبیات از این دانشگاه. از نخستین زنان ایران بود که برای تحصیل به خارج کشور رفتند و اولین زن ایرانی که دکتری ادبیات تطبیقی از دانشگاه سوربن گرفت. طوسی حائری از مترجمان توانا از زبان فرانسه بود و به معاونت وزارت علوم رسید.

بسیاری از تاثیرگذارترین چهره‌های فرهنگ و ادب ایران مانند فروغ فرخزاد، بهمن محمص و نجف دریابندری از دوستان صمیمی‌اش بودند و بعضی دیگر درباره‌اش شعر سرودند و از او گفته‌اند.

طوسی حائری زن مستقلی بود و هیچ‌گاه زیر سایه کسی نرفت؛ نه زیر سایه همسر دومش احمد شاملو و نه هیچ چهره مشهور دیگری که دوست صمیمی‌اش بود.



منبع تصویر، FAMILY ALBUM

نگاهی به بخشی از یکی از نطق‌هایش در سال ۱۳۱۴ در «کانون بانوان ایران» که برای مدتی با آن همکاری داشت، نشان‌دهنده جسارت زن ۲۰ ساله‌ای است که می‌کوشد راه را برای برابری زن و مرد در دنیایی مردسالارانه و ناعادلانه هموارتر کند:

«آقای محترم، گویا شما وضعیت بعضی از زنان مملکت را که در شهرها دور از اجتماع زیسته و به واسطه عدم تعلیم و تربیت و نداشتن ارتباطات با جامعه قوای مادی و معنوی خود را بیهوده گذاشته‌اند در نظر گرفته و از این نقطه نظر تصور فرموده‌اید زن نمی‌تواند در اجتماع داخل شود و حال آنکه بدیهی است همان عدم دخول زن در اجتماع باعث انحطاط او گشته و روح و جسمش را ضعیف ساخته است.»



یکی از آن دوازده نفر جسور

طوسی حائری در پانزدهم دی ۱۲۹۶ در مشهد در یک خانواده روحانی اما روشن‌اندیش به دنیا آمد. پدرش محمدباقر حائری مازندرانی، یک روحانی حقوق‌دان بود.

طوسی حائری پس از پایان دوران دبستان ابتدایی در رامسر و دوران دبیرستان در تهران در سال ۱۳۱۵، در مدرسه‌ها به عنوان معلم زبان تدریس کرد و از اولین دانشجویان دختر بود که وارد دانشسرای عالی و دانشکده علوم و ادبیات دانشگاه تهران شدند؛ در شرایطی که جامعه هنوز آمادگی دیدن اختلاط دختر و پسر را نداشت.

به قول بدرالملوک بامداد در کتاب «زن ایرانی؛ از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید»: «تا مدتی آن جرات و جسارت را در خود نمی‌دیدند که دختران را به محیطی بفرستند که در آنجا از آدانه با پسرها معاشرت داشته باشند. همگی منتظر بودند دیگران در این کار سبقت بجویند تا اگر وبالی دارد گردن آنها را بگیرد. بنابراین اولین دسته دخترانی که وارد دانشسرای عالی و دانشکده‌های علوم و ادبیات شدند فقط دوازده نفر بودند که همگی آنها از زنان دانشمند و فعال خدمتگزاران سرشناس اجتماع به شمار می‌روند.»

طوسی حائری جزو همان دوازده نفر بود که جرات و جسارت داشت و نه تنها اولین زنی بود که لیسانس ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران گرفت، که گفته می‌شود اولین زن ایرانی هم بود که برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. او در سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۹ در دانشگاه سوربون ادبیات تطبیقی خواند و در سال ۱۳۲۸ به پاریس بازگشت و دکترای خود را در ۱۳۳۲ دریافت کرد.



منبع تصویر، FAMILY ALBUM

اولین زنان فارغ‌التحصیل از دانشگاه تهران

ردیف جلو از راست: خانم شاهزاده اسکندری، شمس‌الملوک مصاحب، بدرالملوک بامداد، سراج‌النساء (دختری که از هند برای تحصیل در دانشکده ادبیات به ایران آمد)، مهرانگیر منوچهریان، زهرا بیات اسکندری و بتول سمیعی.

ردیف دوم از راست: طوسی حائری مازندرانی، شایسته صادق، تاج‌الملوک نخعی، فروغ کیا و زهرا کیا

از کانون بانوان تا گویندگی رادیو

طوسی حائری از نوجوانی وارد فعالیت‌های فرهنگی و مطبوعاتی شد و با زنان تاثیرگذار در جنبش زنان ایران مانند صدیقه دولت‌آبادی، بدرالملوک بامداد، شمس‌الملوک مصاحب و مهرانگیر منوچهریان در نشریه «خطابه بانوان» و همین‌طور «کانون بانوان ایران» در سال‌های ۱۳۱۴ و ۱۳۱۶ همکاری کرد.

سال ۱۳۱۶ برای طوسی ۲۰ ساله که سری پر شور داشت، سال پرکاری بود. در این سال از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد، در کانون بانوان ایران شروع به همکاری کرد، با اسد صدری به رغم مخالفت پدر ازدواج کرد؛ ازدواجی که به جدایی انجامید. او در همین سال برای تحصیل در دانشگاه سوربن عازم اروپا شد.

طوسی پس از بازگشت از اولین سفرش به فرانسه، در سال ۱۳۱۹ کارش را در رادیو شروع کرد. او نخستین زن در ایران بود که گوینده رادیو شد. مسعود بهنود در کتاب «از سید ضیا تا بختیار» درباره افتتاح رادیو می‌نویسد: «در سال ۱۳۱۹ بالاخره رادیو افتتاح شد و هزاران خانواده‌ای که از چند سال پیش دستگاه رادیو را با ایهت تمام بالای اتاق پذیرایی خود جا داده بودند، صدای محسن فرزانه و طوسی حائری را شنیدند که از محل بیسیم به طور زنده با آنها سخن می‌گفتند.»

هم‌زمان در دانشگاه تدریس می‌کرد و در مجلات مختلف با اسم مستعار متن‌هایی را از فرانسه به فارسی ترجمه می‌کرد. فعالیت‌های مطبوعاتی و تدریسش در دانشگاه ادامه داشت. یکی از ترجمه‌های استادانه او ترجمه شعر «دوست من درخت» اثر مینو دروئه در سال ۱۳۴۰ است؛ شعری که بر شاعرانی مثل سیاوش کسرای تأثیر گذاشت.

«اظهار نظر می‌کرد و نمی‌خواست به شوهرش [شاملو] متوسل شود»

مجله آشنا را در سال ۱۳۳۷ یک سال پس از ازدواجش با احمد شاملو، به همراه او منتشر کرد. این مجله که به عنوان مجله‌ای برای روشنفکران با چاپ آثار نقاشان معاصر اروپا و ترجمه اشعار و ادبیات روز جهان با سردبیری احمد شاملو و با هزینه شخصی چاپ می‌شد، پس از ۱۷ شماره متوقف شد.

همکاری فرهنگی آن دو پر بار بود. آنها در سال ۱۳۳۸ کتاب «افسانه هفتاد و دو ملت» اثر هانری پور را منتشر کردند و یک سال بعد طوسی به شاملو برای ترجمه «پایرهنه‌ها» اثر زاهاریا استانکو کمک کرد.



منبع تصویر، FAMILY ALBUM

در دفتر مجله آشنا

فعالیت‌های فرهنگی طوسی حائری بعد جدایی از احمد شاملو در سال ۱۳۴۰ ادامه یافت و او به همکاری در مجله کتاب هفته و ترجمه پرداخت.

از شعرها و نوشته‌های احمد شاملو در مدتی که با طوسی بود، مانند شعر ماهی یا یادداشت «به همسفرم طوسی» که در شماره ۵ مجله آشنا در سال ۱۳۳۷ منتشر شد، نشان از تاثیر عمیق طوسی بر شاملو است.

ماهی،

برای طوسی

من فکر می‌کنم

هرگز نبوده قلب من

اینگونه گرم و سرخ.

احساس می‌کنم در بدترین دقایق این شام مرگزای

چندین چشمه خورشید

در دلم

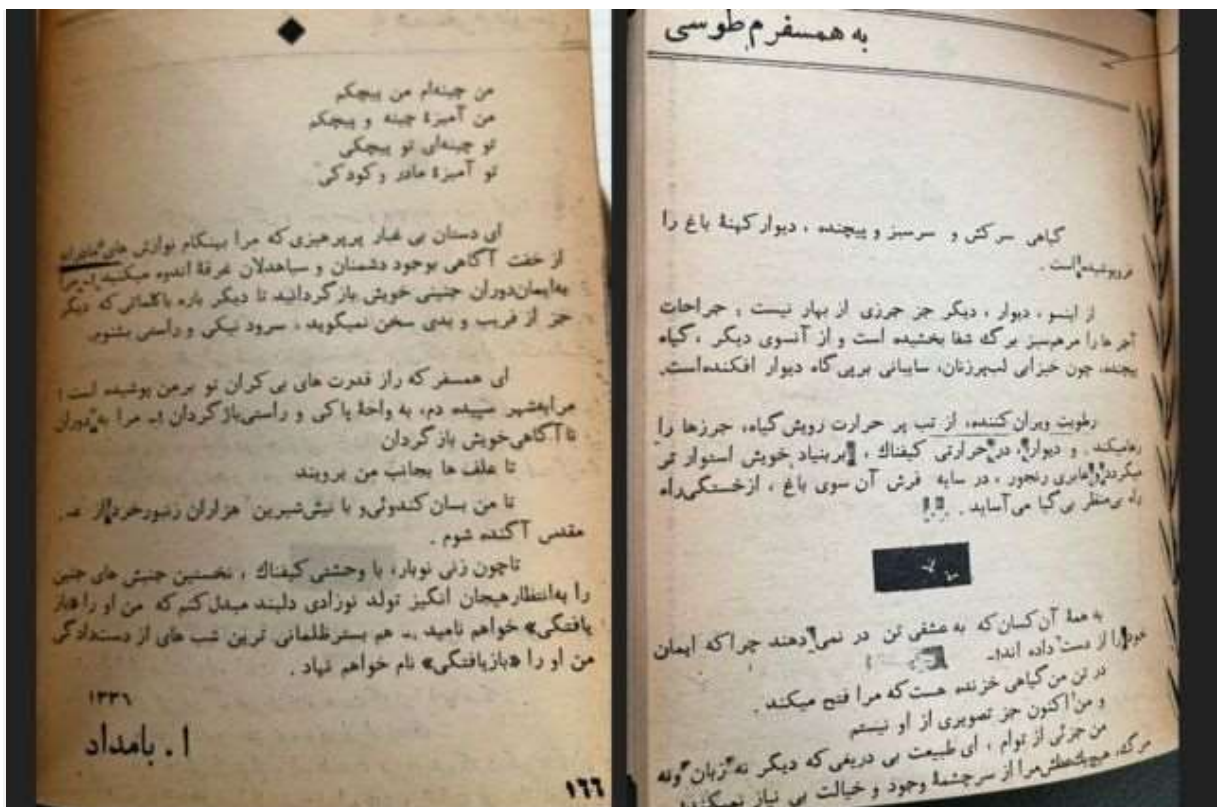
می‌جوشد از یقین؛

احساس می‌کنم در هر کنار و گوشه این شور هزار یاس

چندین هزار جنگل شاداب

ناگهان

می‌روید از زمین.



منبع تصویر، FAMILY ALBUM

چاپ‌شده در مجله آشنا، شماره ۵، سال ۱۳۳۷

سیروس شاملو درباره شخصیت طوسی حائری و یکی از دلایل جدایی او از پدرش احمد شاملو در گفتگو با مجله شاخ زیتون گفته است: «یکی از دلایلی که شاملو از طوسی حائری جدا شد این بود که طوسی اظهار نظر می‌کرد و خودساخته بود و نمی‌خواست به شوهرش متوسل شود. یعنی بعضی برای ایرادگرفتن فکر آینده‌شون رو می‌کنند، ولی بعضیا نمی‌کنند.»

نجف دریابندری هم در شماره ۱۰۰ مجله بخارا، درباره یکی از مشکلات طوسی حائری و احمد شاملو چنین می‌گوید: «طوسی زن خوبی بود. من بیشتر با او رفیق شدم. علت جدا شدن من از شاملو هم همین رفتارش با طوسی بود. این را هم بگویم که طوسی یک روز به من گفت: شاملو معتاد است. من چند بار او را پیش دکتر برده‌ام ترک کرده اما دوباره! شما که رفیقش هستی بهش بگو که ترک کند.»

دوستی با فروغ فرخزاد

طوسی حائری در سال ۱۳۴۱ یک سال پس از جدایی از شاملو، به همراه فروغ فرخزاد و پرویز داریوش در فیلم کوتاه «خواستگاری» بازی کرد. این فیلم را ابراهیم گلستان به سفارش «موسسه ملی فیلم کانادا» کارگردانی کرد. ابراهیم گلستان هم در گفتگو با پرویز جاهد در کتاب «نوشتن با دوربین» از طوسی حائری یاد می‌کند که «طوسی زن خیلی خیلی فوق‌العاده‌ای بود.»



منبع تصویر، FAMILY ALBUM

در فیلم خواستگاری کنار فروغ فرخزاد

آشنایی طوسی و فروغ به سال ۱۳۳۲ برمی‌گردد، درست چند روز بعد از بازگشت طوسی از سفر چند ساله‌اش به پاریس که برای گرفتن دکترا رفته بود. آشنایی‌شان به صمیمیت تبدیل شد تا آنجا که وقتی فروغ که از پرویز شاپور جدا شده بود و در خانه پدری هم دچار مشکل شده بود، سه ماه به خانه طوسی رفت و با او زندگی کرد.

خاطرات طوسی حائری از فروغ فرخزاد در کتاب «زنی تنها، یادنامه فروغ فرخزاد» به کوشش حمید سباهپوش و همینطور در گفت‌وگوی پرویز نقیبی با طوسی حائری به عنوان «طرحی از چهره فروغ فرخزاد» در مجله بامشاد، نه تنها به شناختن بهتر روحیات زندگی فروغ شاعر کمک می‌کند بلکه ما را با زنی آشنا می‌کند که با مشکلات خانوادگی

مثل طلاق، جدایی از فرزند و کنار نیامدن با پدر درگیر است و همینطور نشان‌دهنده نقش تأثیرگذار طوسی حائری در زندگی فروغ است.

«اولین چیزی که من و خانم رخشا احساس کردیم این بود که فروغ و شوهرش تجانس روحی ندارند و احساس کردیم این ازدواج جلوی رشد فکری فروغ را می‌گیرد. من شوهرش پرویز شاپور را خیلی خوب می‌شناسم... به نظر چنین می‌رسید که این‌ها برای یکدیگر ساخته نشده‌اند... به هر حال وقتی آن روز با فروغ آشنا شدم با او بسیار بحث کردم و درباره شعرش و درباره این‌که باید راه خودش را بشناسد حرف زدیم و بعدها، شاید غلط یا درست، او را کم و بیش به جدایی از شوهرش تشویق کردیم و فروغ پنج شش ماه بعد از شوهرش جدا شد... اغلب شعر شاعران فرانسوی را ترجمه می‌کردم و برایش می‌خواندم. فروغ با اشتیاق گوش می‌کرد. گاه ترجمه بعضی از شعرها در او حالت الهامی پدید می‌آورد... بسیاری از موضوعات شاعرانه را در همان لحظه که که برایش ترجمه می‌کردم یادداشت می‌کرد که بعدها روی دو سه تا از آنها شعر ساخت.»

طوسی حائری در سال ۱۳۴۶ کار در وزارت علوم را آغاز کرد و تا معاونت این وزارتخانه ترقی کرد. او پس از انقلاب ۱۳۵۷ بیشتر زبان فرانسه تدریس می‌کرد اما خانه‌اش همچنان محلی برای گرد آمدن هنرمندان به ویژه شاعران و نقاشان بود.

طوسی برای سومین بار در سال ۱۳۶۴ با محمود بردبار ازدواج کرد و در سال ۱۳۷۰ ساکن محمودآباد در مازندران شد. او دو سال بعد در آنجا در ۱۷ فروردین درگذشت.



منبع تصویر، FAMILY ALBUM

به نقل از:

<https://www.bbc.com/persian/articles/cv2r03prqgo.amp>